

بازگرداندن حقوق‌های نجومی اختیاری است!

صفحه ۲



روحانی فریب خورد

صفحه ۱۲

گفت‌وگوی «وطن امروز» با ناصر نوربری درباره تبعات پیروزی ترامپ بر برجام و تحولات منطقه



شرایط ناسالم هوا در پایتخت وارد ششمین روز متوالی و در برخی کلانشهرها وارد هفته دوم شد

چرا هیچ اتفاقی نمی‌افتد؟!

زنگ ورزش مدارس تهران یکشنبه و دوشنبه تعطیل است



تیتراژهای امروز

ترامپ در مصاحبه با وال استریت ژورنال:

با داعش می‌جنگم نه اسد

خالق مستند «ترامپ‌لند» مقابل ترامپ می‌ایستد؛ جنبش تسخیر کاخ سفید؟



صفحه ۱۵

ابوالفضل ظهروند در گفت‌وگو با «وطن امروز»: بحران اروپا با ترامپ مسأله ناتواست نه برجام

بحران در ۲ سوی آتلانتیک

صفحه ۲

شهادت خبرنگار صداوسیما در حلب

صفحه ۲

بدرقه زائران کربلائی معلا در شب شعر بزرگ اربعین در شهرستان ادب

هلا هوهای یاران! اربعین است

صفحه ۱۲

روزنه

شکلاتی که سوخت شکلاتی که می‌رود

امیراستکی

راه‌اندازی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی چند ماه قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در سال ۸۸ بخوبی گویای این مهم بود که دولت انگلیس برای انتخابات در ایران برنامه‌های زیادی دارد. البته نه برنامه‌هایی از نوع معمول رسانه‌ای و به منظور کار حرفه‌ای اطلاع‌رسانی، بلکه برای هدایت آتش تهیه رسانه‌ای برای تغییر بی‌باب میل آنها در عرصه سیاست ایران. همه می‌دانیم حتی گریه هم برای رضای خدا موش نمی‌گیرد و هزینه کردن از جیب دولت انگلیس یعنی سرمایه‌گذاری برای برگشت چند برابر آن سرمایه ولی ما در ایران با مشکلی مواجهیم و آن اصلاح‌طلبی عوامانه و سطحی است یعنی نوعی اصلاح‌طلبی کودکانه که با هر شکلاتی که برسد خندان و سرخوش می‌شوند و اصلا متوجه این مهم نیستند که این شکلات از دست که می‌آید. همه دیدیم چه آتشی در قضایای انتخابات ۸۸ توسط این رسانه خبیث سوزانده شد و چه چشم امیدهایی که اصلاح‌طلبان داخلی به دست قدرت‌های خارجی داشتند که بیایند و نظام مستقر را بریندازنند و عروس قدرت را به حجله آنها واگذارند. چه نامه‌ها و توصیه‌هایی که امثال عباس میلانی، پیام اخوان و سازگارا نوشتند و نفرستادند و از طریق همین رسانه‌های دوست و برادرشان به گوش ایرانیان نرسانند تا همه ایرانیان به چشم خود خیانت عیان را ببینند و نیاز نباشد بروند و تاریخ وادادگی سیاسیون ایرانی مثلا در عصر قاجار به خارجی‌ها را بخوانند. پیشنهادهایی که تاکید می‌کردند تحریم بهترین راه‌حل برای به زانو درآوردن ایران است و جنگ با ایران نه از آن رو که به ضرر مردم ایران است، بلکه از آن رو که مردم را پشت‌سر جمهوری اسلامی قرار می‌دهد، مفید نیست و این به معنای واقعی کلمه - اگر از قسمت‌های منشوری‌اش بگذریم - یعنی کودکی سیاسی محض.

پس از رای آوردن ترامپ که از نظر آمریکایی‌ها غیرمنتظره و صعب‌الهم بود، عده‌ای در آمریکا دست به اعتراض زدند و نمی‌خواهند نتایج انتخابات کشورشان را باور کنند.خب!

ادامه در صفحه ۵

فرار رو به جلو در پساترامپ

حمید رحیمی‌نژاد

یادداشت امروز از همان ابتدای روی کار آمدن دولت تدبیر و امید یکی از انتقاداتی که همواره از سوی منتقدان دلسوز به دولت گوش‌سزد می‌شد این بود که دولت بهتر است همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد مذاکرات نچیند و همراه با پیگیری مذاکرات نیم‌نگاهی نیز به دیگر مسائل و مشکلات داشته باشد، زیرا علی‌الاصول ریشه تمام مشکلات کشور در مذاکره نیست اما تنها به این نصیحت مشفقانه توجه نشد، بلکه ریاست محترم جمهور - احتمالا برای توجیه کم‌کاری دولت در بقیه زمینه‌ها و البته مبتنی بر ایده بنیادین دولت‌شان - با ربط دادن تمام مشکلات حتی آب خوردن به بحث مذاکرات، آب پاکی را روی دست همه ریختند و به این صورت برجام به عنوان ثمره مذاکرات تبدیل به تمام هستی دولت شد!

با شروع مبارزات ریاست‌جمهوری آمریکا و اظهار نظر منفی اکثر کاندیداهای ۲ حزب درباره برجام، نگاه رسانه‌ها و مردم ایران برای نخستین بار به صورت گسترده‌ای متوجه انتخابات آمریکا شد. نتیجه نهایی مبارزات انتخاباتی در نهایت کسی بود که بیشترین همه‌ها علیه ایران و توافق با ایران را داشت به نحوی که در اجلاس سالانه کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل (آپیک) اعلام کرد اولویت نخست کاری‌اش پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، پاره کردن توافقنامه هسته‌ای ایران خواهد بود و باعث شد این سوال در افکار عمومی و رسانه‌ها پیش بیاید که با روی کار آمدن ترامپ چه بلایی سر «هستی دولت اعتدال» خواهد آمد و آیا ترامپ فرجام برجام است؟

بلافاصله بعد از قطعی شدن پیروزی ترامپ شاهد اظهار نظرهای متعددی از دولتمردان بودیم که از الزام‌آور بودن برجام و بی‌تاثیری تغییر دولت آمریکا می‌گفتند اما جالب‌ترین اظهار نظر در این باره را جناب دکتر روحانی، ریاست محترم جمهور داشتند. ایشان فرمودند: «هوشمندی ایران این بود که برجام را به عنوان قطعنامه شورای امنیت ثبت کرد که با تصمیم یک دولت قابل تغییر نیست». در این سخنان، ریاست محترم جمهور تلویحا به این امر اعتراف کرده‌اند که تغییر دولت آمریکا می‌تواند باعث عدم اجرای برجام توسط آمریکا شده و موجب شود برجام به محقق رود، البته ایشان ذکر کردند که دولت محترم با «هوشمندی» برجام را در قالب قطعنامه سازمان ملل تنظیم کرده

ادامه در صفحه ۵

دو تابعیتی‌ها در پیچ نفوذ

خداشه وارد کند و از طرف دیگر، بسیار دشوار است شخص بتواند تمام تکالیف خود را نسبت به هر دو دولت ایفا کند.

اهمیت احراز شهروندی همچنین اگر فردی دارای تابعیت مضاعف بتواند مشاغل مهم کشوری و لشکری را در هر دو کشور احراز کند، مشکلاتی ایجاد خواهد شد که پیش‌زمینه جلوگیری از آن با نظارت بر چنین شرایطی در همه کشورها «حراز تابعیت شهروندان» است. دقیقا به همین دلیل است که کشورهایی که تابعیت مضاعف را به رسمیت می‌شناسند نیز طبق قانون به شهروندان خود درباره چنین روندی اعم از برانث از حق شهروندی اولیه یا حفظ آن و پذیرش تابعیت غیر، «هشدار» می‌دهند و امکان «سلب تابعیت اولیه» را یادآور می‌شوند.

پس تابعیت مضاعف شاید در نگاه اول فریبنده باشد، چرا که به افراد امکان می‌دهد برای به دست آوردن روایت و گذرنامه از میان چند کشور دست به انتخاب بزنند اما واقعیت کاملاً متفاوت است چون تابعیت در عین داشتن حقوق و مزایا، تکالیف و تعهداتی را نیز به همراه می‌آورد.

با احتساب این موارد، سطحی‌نگری عاقدانه یا احمقان نادانسته شخص وزیر محترم پیرامون مسأله «حراز تابعیت شهروندان» و تبدیل آن به خصومت‌ورزی شخصی قانونگذار با افرادی که برخلاف قانون رسمی کشور، تابعیت بیگانه را پذیرفته‌اند، موضوعی قابل بررسی است و صالبت به این وظیفه «قانونا» برعهده حاکمیت است نه «مردم» یا «سازمانها»! چرا که ابزارهای نظارتی و کشف تابعیت به حکم قانون در اختیار دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و وزارت خارجه است و طبق رویه جهانی، اگر وزرای امور خارجه و اطلاعات و مسئولان ناجا بخواهند، کشف تابعیت بسادگی با ایجاد سازوکارهای نظارتی میسر است کما اینکه هم‌اکنون حتی برگه «سوءپیشینه» و «اسناد رسمی» مورد نیاز شهروندان برای اخذ تابعیت دوم، توسط ناجا و وزارت امور خارجه صادر و تایید می‌شود و اصولا هزینه قابل توجه صدور پاسپورت و گذرنامه و کنترل اسناد در مبادی ورودی و خروجی کشور به همین منظور صورت می‌گیرد.

بخشش از جیب کدخدا! علاوه بر این هیچ دولت یا دولتمردی حق ندارد با ارتزاق از بیت‌المال، از دایره حقوق قانونی مردم بزل و بخشش کند کما اینکه ساده‌ترین

ادامه در صفحه ۵

نگاه امروز **مجتبی اصغری:** پس از آنکه بحث «تحقیق و تفحص از دو تابعیتی‌ها» در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی مطرح شد، یکی از وزرا برای ادای توضیح پیرامون این موضوع در جلسه کمیسیون حاضر شد و طبق رویه چند سال اخیر بلافاصله پس از پایان جلسه، موارد مطروحه در نشست، به آینده‌های نامعلوم موکول شد. این روند با تلاش رسانه‌ها و هوشیاری و دقت نظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی دوباره با مطالبه‌گری قانونی، ادامه یافت ولی انتشار نظرات موافق نمایندگان و حقوقدانان و نظریه‌پردازان پیرامون اهمیت شناسایی شهروندان و مدیران دولتی، واکنش غیرقابل باور همان وزیر را در پی داشت که اصل تکلیف قانونی را با بیان این جمله که «طوری مسأله دو تابعیتی مطرح می‌شود که انگار هر فردی که دو تابعیتی است فاسد، بیگانه، وطن‌فروش یا جاسوس است» انکار کرده و ریاست محترم جمهور اساسا فراموش کرده‌اند درباره کدام قطعنامه صحبت می‌کنند! اگر منظور ایشان از قطعنامه همان قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت باشد باید به ایشان یادآور شد در همان زمان تصویب قطعنامه خود ایشان درباره قطعنامه فرمودند: «در «برجام» اصلا چیزی راجع به بحث موشک، دفاع و سلاح مطرح نشده است، چیزی که وجود دارد در قطعنامه ۲۲۳۱ است... ما رسماً اعلام کردیم قائل به همین بندها به همین صورتی هم که در قطعنامه ۲۲۳۱ آمده نیستیم، در خود «برجام» هم تصریح کردیم که نقض قطعنامه به معنای نقض «برجام» نیست». همان طور که دیدید ریاست محترم جمهور و ایضا دکتر عراقچی همان زمان صراحتا به طور رسمی از بی‌اعتباری و عدم اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ توسط ایران گفتند و بسر اصل بودن برجام در توافق تاکید کردند. حال با توجه به اظهارات «هوشمندانه» جدید ریاست محترم جمهور مبتنی بر اصل بودن قطعنامه و فرع بودن برجام! این سوال پیش می‌آید که قسم حضرت عباس(ع) را باور کنیم یا دم خروس را!

اساسا دیگر وقت این سوال از ریاست محترم جمهور رسیده است که تا کی می‌خواهید این رفتار را ادامه دهید؟ تا کی می‌خواهید هر وقت اظهارات «هوشمندانه» جدید ریاست محترم جمهور مبتنی بر طبل برجام بکوبید و وقتی به نفع شما نیست بر ساز قطعنامه زخمه بزنید؟ بهتر نیست حساب کار را لاقل با خود یکی کنید؟

ادامه در صفحه ۵